



٧٠٦٦١



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان‌نامه:

بررسی مباحث علم معانی مبتنی بر غزلیات حافظ

استاد راهنما:  
دکتر حمید طاهری

استاد مشاور:  
دکتر جواد مرتضایی

دانشجو:  
سیروس اویسی

مهر ۱۳۸۶

۲۰۶۶

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه رازی

۱۳۸۷ / ۱ / ۲۸



دانشگاه رازی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیات فارسی آقای سیروس اویسی

تحت عنوان

بررسی مباحث علم معانی مبتنی بر غزلیات حافظ

کتابخانه مرکزی دانشگاه رازی

در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۱۵ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه ی عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر حمید طاهری	استاد راهنمای پایان نامه
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر جواد مرتضایی	استاد مشاور پایان نامه
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر وحید مبارک	استاد داور
امضاء	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر محمد ابراهیم مال میر	استاد داور

## تشکر و قدردانی

همت‌م بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس  
که دراز است ره منزل و من نوسفرم

بی شک انجام این مهم از توان، صبر و حوصله‌ی این جانب خارج بود؛ آنچه مرا بر انجام وامی‌داشت ارشاد و ترغیب استاد گرامی جناب آقای دکتر طاهری بود که همواره چراغ فرا راهم می‌داشت و از لغزش‌های مسیر دورم می‌ساخت؛ بر خود لازم می‌دانم که زحمات این استاد فرزانه را ارج نهاده، از ایشان نهایت سپاسگزاری را به عمل آورم، که اگر نبود و نمی‌خواست این مهم به انجام نمی‌رسید.

همچنین از زحمات استادان ارجمند جناب آقای دکتر مرتضایی و جناب آقای دکتر شیری و نیز از تمامی استادانی که در طول تحصیل همواره به بنده لطف داشته‌اند و راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود را از این حقیر دریغ نداشتند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

سعی نابرده در این راه به جایی نرسید  
مزد آگر می‌طلبی طاعت استاد بپر

ز شوق روی تو حافظ نوشت حرفی چند  
بخوان ز نظمش و در گوش کن چو مروارید

### تقدیم به:

همسرم،

که همواره، صبورانه یاورم بوده،

و فرزندم حسین، طراوت زندگی‌ام.

## چکیده

علم معانی از جمله‌ی علوم بلاغی است که در فصاحت و بلاغت، اقتضای حال، اغراض و معانی ثانوی جملات، احوال مسندالیه و مسند، ایجاز، اطناب و... بحث می‌کند. در این پایان نامه مباحث علم معانی به‌طور کامل، فراگیر و جامع بر اساس یکی از بزرگترین و ارزشمندترین آثار ادب فارسی یعنی غزلیات حافظ با رویکردی خاص به علم معانی و بر اساس ساخت زبان فارسی و توانش‌های آن مورد بررسی قرار گرفته‌است.

نخستین هدف این پایان‌نامه این است که مباحث علم معانی را در غزلیات حافظ جست‌وجو کند و برای آن‌ها شواهدی از دیوان حافظ ارائه نماید. از دیگر اهداف این پایان‌نامه آن است که نشان دهد اغراض ثانوی جملات بسیار گسترده‌تر از آن است که تا به امروز در کتب بلاغی معرفی و عرضه شده‌است و در تعاریفی که برای مباحث مختلف این علم آمده نقص‌هایی وجود دارد که سعی شده با نگرش جدید و به گونه‌ای علمی‌تر بیان گردد.

در این پایان‌نامه نوع مطالعه اسنادی بوده و به شیوه‌ی تحلیل محتوا به بررسی داده‌ها و پاسخگویی به فرضیات پرداخته شده است؛ بدین صورت که برای تحلیل و بررسی علم معانی در دیوان حافظ نخست می‌باید بر مباحث علم معانی اشراف و تسلط کامل پیدا می‌شد و به همین خاطر نخست همه‌ی کتبی که در خصوص علوم بلاغی تدوین شده‌اند و نیز برخی کتب زبان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. پس از آن به تحلیل محتوای دیوان حافظ بر اساس مطالعات انجام شده پرداخته شد و در پایان داده‌های استخراج شده با توجه به ساخت زبان و نگارش فارسی تجزیه و تحلیل و مرتب گردید.

این پایان‌نامه در پنج فصل تدوین شده است که فصل اول به مقدمه و تاریخچه‌ی علوم بلاغی اختصاص داده شده‌است، فصل دوم تعاریف و کلیات علم معانی مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته‌است، در فصل سوم خبر در ادب و غزلیات حافظ با رویکردی خاص و علمی مورد نقد و بررسی قرار گرفته، فصل چهارم به انشا و جمالاتی که در این حوزه قرار می‌گیرند اختصاص داده شده است، در فصل پنجم نیز مباحث بلاغی دیگری همچون: حصر و قصر، ایجاز و اطناب بررسی شده‌اند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ک	پیشگفتار
۱	فصل اول : مقدمه
۲	۱-۱- فایده علم معانی
۴	۱-۲- پیشینه‌ی علوم بلاغی
۴	۱-۲-۱- پیشینه‌ی بلاغت در زبان و ادب عرب
۸	۲-۲-۱- پیشینه‌ی بلاغت در زبان و ادب فارسی
۱۰	فصل دوم : تعاریف و کلیات
۱۱	۱-۲- تعریف علم معانی
۱۳	۲-۲- فصاحت
۱۴	۲-۱-۱- فصاحت کلمه
۱۴	۲-۱-۲- رعایت قواعد واجی
۱۵	۲-۱-۲-۲- رعایت الگوی هجایی
۱۵	۲-۱-۲-۳- خوش آهنگی
۱۶	۲-۱-۲-۴- رعایت قواعد نحوی
۱۷	۲-۲-۲- فصاحت کلام
۱۷	۲-۲-۱- فصاحت کلمات
۱۷	۲-۲-۲- رعایت قواعد همنشینی
۱۸	۲-۲-۳- رعایت قواعد نحوی
۱۹	۲-۲-۴- عدم پیچیدگی معنا
۱۹	۳-۲-۲- فصاحت متکلم
۲۰	۳-۲- بلاغت
۲۱	۱-۳-۲- مقتضای حال
۲۲	۲-۳-۲- بلاغت متکلم
۲۳	۴-۲- خلاف مقتضای ظاهر (هنجار گریزی)
۲۳	۱-۴-۲- هنجار گریزی واژگانی

۲۳	۲-۴-۲- هنجار گریزی نحوی
۲۴	۳-۴-۲- هنجار گریزی آوایی
۲۴	۴-۴-۲- هنجار گریزی نوشتاری
۲۴	۵-۴-۲- هنجار گریزی معنایی
۲۵	۶-۴-۲- هنجار گریزی گویشی
۲۵	۷-۴-۲- هنجار گریزی سبکی
۲۵	۸-۴-۲- هنجار گریزی زمانی
۲۷	<b>فصل سوم: خبر در ادب و شعر حافظ</b>
۲۸	۱-۳- خبر و انشا
۳۲	۲-۳- اسناد خبری
۳۲	۱-۲-۳- اسناد حقیقی
۳۳	۲-۲-۳- اسناد مجازی
۳۴	۱-۲-۲-۳- اسناد به سبب
۳۵	۲-۲-۲-۳- اسناد به مکان
۳۵	۳-۲-۲-۳- اسناد به زمان
۳۶	۳-۲-۳- فایده‌ی خبر و فایده‌ی لازمِ خبر
۳۸	۳-۳- نهاد (مسندالیه) و گزاره (مسنند)
۳۸	۱-۳-۳- عوامل تعدیل کننده‌ی معنا در گروه اسمی
۳۹	۱-۱-۳-۳- وابسته‌ی پیشینِ صفت اشاره
۳۹	۲-۱-۳-۳- وابسته‌ی پسینِ صفت
۴۰	۳-۱-۳-۳- وابسته‌ی پسینِ مضاف‌الیه
۴۱	۴-۱-۳-۳- بندهای وابسته‌ی موصولی
۴۴	۵-۱-۳-۳- قیدحالت
۴۵	۲-۲-۳- عوامل تعمیم دهنده‌ی معنا در گروه اسمی
۴۵	۱-۲-۳-۳- وابسته‌ی پیشینِ صفت مبهم
۴۶	۲-۲-۳-۳- وابسته‌ی پسینِ نشانه‌ی جمع
۴۸	۴-۳- احوال نهاد
۴۸	۱-۴-۳- ساخت نهاد
۴۸	۱-۱-۴-۳- نهاد مفرد و مجرد
۴۹	- نهاد مفرد به صورت اسم صریح
۵۰	- نهاد مفرد به صورت ضمیر
۵۱	۲-۱-۴-۳- نهاد به صورت گروه اسمی
۵۱	- نهاد با نشانه‌ی جمع
۵۲	- نهاد با وابسته‌ی پسینِ صفت
۵۳	- نهاد با وابسته‌ی پسینِ اسم
۵۴	- نهاد با وابسته‌ی پیشینِ صفت اشاره



۵۶	- نهاد با وابسته‌ی پیشین صفت مبهم
۵۷	- نهاد با بند وابسته‌ی موصولی
۵۸	- نهاد با گروه قیدی
۵۹	۲-۴-۳- سازه‌های نهاد بر اساس نظریه‌ی نحو X تیره
۶۱	۳-۴-۳- حذف نهاد
۶۲	۱-۳-۴-۳- نهاد شناخته شده و آشکار
۶۳	۲-۳-۴-۳- نهاد ضمیر اول شخص
۶۳	۳-۳-۴-۳- رعایت مصلحت
۶۴	۴-۱-۴-۳- تأکید بر گزاره
۶۴	۵-۱-۴-۳- آزمودن هوش مخاطب
۶۴	۶-۱-۴-۳- رجحان وجود عقلی بر وجود لفظی
۶۵	۷-۱-۴-۳- برای نفی و انکار
۶۵	۸-۱-۴-۳- تعظیم و بزرگداشت نهاد
۶۶	۹-۱-۴-۳- تحقیر نهاد
۶۶	۴-۴-۳- نهاد به صورت منادا
۶۷	۵-۴-۳- نکره آوردن نهاد
۶۷	۱-۵-۴-۳- نهاد مفرد
۶۷	۲-۵-۴-۳- برجسته کردن خبر
۶۸	۳-۵-۴-۳- تحقیر و تقلیل نهاد
۶۸	۴-۵-۴-۳- بزرگداشت نهاد
۶۸	۵-۵-۴-۳- بیان نوع
۶۹	۶-۴-۳- نهاد معرفه
۶۹	۱-۶-۴-۳- معرفه به ضمیر
۷۰	۲-۶-۴-۳- معرفه به مضاف‌الیه
۷۰	۳-۶-۴-۳- معرفه به اشاره
۷۱	- به جهت تحقیر
۷۱	- برای تعظیم
۷۲	- برای ذکر صفات نهاد
۷۲	۴-۶-۴-۳- معرفه با اسم خاص
۷۲	۵-۶-۴-۳- معرفه کردن نهاد با بند موصولی
۷۳	- به جهت بزرگداشت نهاد
۷۳	- برای تحقیر نهاد
۷۳	- بیان شمول حکم
۷۴	- نکوهش و تقبیح نهاد
۷۴	۷-۴-۳- معطوف آوردن نهاد ( نهاد مرکب )

۷۶	۵-۳-احوال گزاره
۷۶	۱-۵-۳-سازه‌های گزاره بر اساس اصل مشخصه گذاری
۷۷	۱-۱-۵-۳-مشخصه واژگانی ناگذر
۷۸	۲-۱-۵-۳-مشخصه‌ی واژگانی گذرا به مسند
۷۸	۳-۱-۵-۳-مشخصه‌ی واژگانی گذرا به مفعول
۷۹	۴-۱-۵-۳-مشخصه‌ی واژگانی گذرا به متمم
۸۰	۵-۱-۵-۳-متمم اسم
۸۱	۲-۵-۳-گزاره به صورت گروه
۸۱	۱-۲-۵-۳-گزاره با وابسته‌ی پیشین صفت اشاره
۸۲	۲-۲-۵-۳-گزاره با صفت بیانی
۸۲	۳-۲-۵-۳-گزاره با وابسته‌ی پسین مضاف الیه
۸۳	۴-۲-۵-۳-گزاره با بند موصولی
۸۴	۵-۲-۵-۳-گزاره وابسته به بند شرطی
۸۴	- برانگیختن نهاد (مخاطب)
۸۵	- تعظیم و بزرگداشت نهاد
۸۵	- تحقیر نهاد
۸۵	- ارشاد نهاد
۸۶	- تهدید به انجام کاری
۸۶	- احتمال در انجام کاری
۸۷	- پند و اندرز
۸۷	۳-۵-۳-حذف گزاره
۸۷	۱-۳-۵-۳-حذف به دلیل وجود قرینه‌ی لفظی
۸۸	۲-۳-۵-۳-حذف گزاره‌های پی در پی و معطوف
۸۸	۳-۳-۵-۳-حذف گزاره به ضرورت شعری
۸۹	۴-۳-۵-۳-در پاسخ سؤال
۸۹	۴-۵-۳-گزاره نکره
۸۹	۱-۴-۵-۳-برای بیان کیفیت
۹۰	۲-۴-۵-۳-برای تحقیر گزاره
۹۰	۳-۴-۵-۳-برای بزرگداشت گزاره
۹۱	۴-۴-۵-۳-برای بیان نوع
۹۱	۵-۵-۳-معرفه آوردن گزاره
۹۳	۶-۳-جابه‌جایی ارکان در جملات خبری
۹۴	۱-۶-۳-رعایت وزن
۹۵	۲-۶-۳-رعایت قافیه
۹۶	۳-۶-۳-رعایت وزن و قافیه

۹۷	۷-۳- اغراض ثانوی جملات خبری
۹۷	۳-۷-۱- اظهار امیدواری
۹۸	۳-۷-۲- هشدار
۹۸	۳-۷-۳- گله و شکایت
۹۹	۳-۷-۴- ملامت
۹۹	۳-۷-۵- تنبه و عبرت
۱۰۰	۳-۷-۶- بشارت و اظهار انبساط
۱۰۰	۳-۷-۷- مفاخره
۱۰۱	۳-۷-۸- بیان تعظیم
۱۰۲	۳-۷-۹- اظهار تأسف و تأثر و افسوس
۱۰۳	۳-۷-۱۰- اظهار تعجب و شگفتی
۱۰۳	۳-۷-۱۱- استرحام
۱۰۴	۳-۷-۱۲- ارشاد
۱۰۴	۳-۷-۱۳- تشویق و ترغیب
۱۰۵	۳-۷-۱۴- استهزاء و تحقیر
۱۰۵	۳-۷-۱۵- طنز
۱۰۶	۳-۷-۱۶- مبالغه
۱۰۷	۳-۸- گونه‌های خبر بنا به حال مخاطب
۱۰۷	۳-۸-۱- خبر ابتدایی
۱۰۸	۳-۸-۲- خبر طلبی
۱۰۸	۳-۸-۳- خبر انکاری
۱۰۹	<b>فصل چهارم: انشا و جملات انشایی در ادبیات و شعر حافظ</b>
۱۱۱	۴-۱- گونه‌های انشا
۱۱۱	۴-۱-۱- انشای غیرطلبی
۱۱۱	۴-۱-۱-۱- تمنی و ترجی
۱۱۳	۴-۱-۱-۲- دعا
۱۱۴	۴-۱-۲- انشای طلبی
۱۱۶	۴-۲- جملات پرسشی
۱۱۶	۴-۱-۱- اغراض ثانوی پرسش در دیوان حافظ
۱۱۸	۴-۱-۱-۱- نفی و انکار
۱۱۹	- نفی و استبعاد
۱۱۹	- انکار و حصر
۱۱۹	- انکار و شکایت
۱۱۹	- انکار، تقریر و شمول حکم
۱۱۹	۴-۱-۱-۲- بازداشتن و تحذیر
۱۲۰	- تحذیر و استرحام

۱۲۰	- تحذیر و ملامت
۱۲۰	- تحذیر و تحقیر
۱۲۰	۴-۱-۳- امر غیر مستقیم و مؤدبانه
۱۲۱	۴-۱-۵- بیان تعجب و شگفتی
۱۲۱	- تعجب و تعظیم
۱۲۱	- تعجب و اغراق
۱۲۱	- تعجب و شکایت
۱۲۲	۴-۱-۶- تشویق
۱۲۲	- تشویق و تعجب
۱۲۲	- تشویق و انکار
۱۲۲	- تشویق و گلایه
۱۲۲	- تشویق، نهی و ملامت
۱۲۳	۴-۱-۷- بیان منافات و استبعاد
۱۲۳	- استبعاد و انکار
۱۲۳	۴-۱-۸- گله و شکایت
۱۲۴	۴-۱-۹- تمنا و آرزو
۱۲۵	- آرزو و استرحام
۱۲۵	- آرزو و استبطاء
۱۲۵	- آرزو و تشویق
۱۲۵	۴-۱-۱۰- تأسف و تأثر
۱۲۶	- تأثر، استرحام و حسن طلب
۱۲۶	- تأثر و آرزو
۱۲۶	۴-۱-۱۱- تعظیم
۱۲۶	- تعظیم و بیان عجز
۱۲۷	- تعظیم و شگفتی
۱۲۷	۴-۱-۱۲- تحقیر
۱۲۷	- تحقیر و بیان ناتوانی
۱۲۷	- تحقیر و تعظیم
۱۲۸	- تحقیر و انکار
۱۲۸	۴-۱-۱۳- طنز و تمسخر
۱۲۸	۴-۱-۱۴- تجاهل عارف
۱۲۹	۴-۱-۱۵- هشدار
۱۳۰	۴-۱-۱۶- بیان عجز و ناتوانی
۱۳۰	- عجز و تحقیر
۱۳۰	- عجز و تعظیم و انکار
۱۳۰	- عجز و شکایت

۱۳۱	۱۷-۱-۱-۴- استبطاء
۱۳۱	۱۸-۱-۱-۴- بیان تحیر و سرگردانی
۱۳۲	۱۹-۱-۱-۴- استرحام
۱۳۲	- استرحام و حسن طلب
۱۳۳	۲۰-۱-۱-۴- اخبار غیر مستقیم
۱۳۳	۲۱-۱-۱-۴- شمول حکم
۱۳۳	۲۲-۱-۱-۴- تقریر
۱۳۴	- تقریر و انکار
۱۳۴	- تقریر و حصر
۱۳۵	۲۳-۱-۱-۴- تقاضا و کسب اجازه
۱۳۵	۲۴-۱-۱-۴- اعتراض
۱۳۶	۲۵-۱-۱-۴- حسن طلب
۱۳۶	۲۶-۱-۱-۴- اغراق
۱۳۷	۲۷-۱-۱-۴- بیان کثرت
۱۳۷	- کثرت، تحذیر و ملامت
۱۳۷	۲۸-۱-۱-۴- حصر یا قصر
۱۳۸	۲۹-۱-۱-۴- توبیخ و ملامت
۱۳۸	۳۰-۱-۱-۴- یأس و نومیدی
۱۳۸	- یأس و آرزو
۱۳۹	- یأس و ناتوانی
۱۳۹	- یأس و انکار
۱۳۹	۳۱-۱-۱-۴- زمینه سازی
۱۳۹	۳۱-۱-۱-۴- نفرین
۱۴۰	۳۲-۱-۱-۴- بیان نگرانی
۱۴۰	۳۳-۱-۱-۴- برای کسب خبر
۱۴۱	۲-۴- جملات امری
۱۴۲	۱-۲-۴- اغراض ثانوی جملات امری
۱۴۲	۱-۱-۲-۴- تمنا و تقاضا
۱۴۳	۲-۱-۲-۴- ارشاد
۱۴۳	۳-۱-۲-۴- هشدار
۱۴۴	۴-۱-۲-۴- اظهار تعجب و شگفتی
۱۴۴	۵-۱-۲-۴- تعریض
۱۴۵	۶-۱-۲-۴- اظهار امیدواری
۱۴۵	۷-۱-۲-۴- استرحام
۱۴۶	۸-۱-۲-۴- ترغیب و تشویق
۱۴۶	۹-۱-۲-۴- تعظیم و بزرگداشت

۱۴۷	۱۰-۱-۲-۴- تمسخر و تحقیر
۱۴۷	۱۱-۱-۲-۴- بیان عجز و ناتوانی
۱۴۸	۱۲-۱-۲-۴- اعتراض و گله‌گذاری
۱۴۹	فصل پنجم: بررسی چند مبحث بلاغی دیگر در شعر حافظ
۱۵۰	۱-۵- حصر و قصر
۱۵۱	۱-۱-۵- شگردهای ایجاد حصر و قصر
۱۵۱	۱-۱-۵- قصر با ادات
۱۵۱	- بس
۱۵۲	- جز، بجز
۱۵۲	- مگر
۱۵۳	- همان
۱۵۳	- غیر از
۱۵۳	- ولیک، لیکن
۱۵۴	۱-۱-۲- حصر و قصر با تکیه و آهنگ
۱۵۶	۱-۱-۳- استفاده از ضمیر
۱۵۶	- اول شخص مفرد
۱۵۶	- دوم شخص مفرد
۱۵۷	- سوم شخص مفرد
۱۵۷	۱-۱-۴- استفاده از صفت اشاره
۱۵۸	۱-۲-۵- انواع حصر و قصر بر حسب اعتبار و قصد گوینده
۱۵۸	۱-۲-۱-۵- قصر حقیقی
۱۵۸	۱-۲-۲-۵- قصر ادعایی (غیرحقیقی یا وابسته)
۱۵۹	۱-۳-۵- قصر موصوف بر صفت
۱۵۹	۱-۴-۵- قصر صفت بر موصوف
۱۶۰	۱-۵-۵- انواع حصر و قصر بر حسب مقتضای حال شنونده
۱۶۰	۱-۵-۱-۵- قصر افراد
۱۶۱	۱-۵-۲-۵- قصر قلب
۱۶۱	۱-۵-۳-۵- قصر تعیین
۱۶۴	۲-۵- ایجاز، اطناب و مساوات
۱۶۴	۱-۲-۵- ایجاز
۱۶۶	۱-۱-۲-۵- ایجاز حذف
۱۶۶	۲-۱-۲-۵- ایجاز قصر
۱۶۷	۳-۱-۲-۵- هنر حافظ در بیان برخی مسائل به شیوه‌ی ایجاز
۱۶۷	- بیان مسائل اعتقادی
۱۶۸	- برای بیان مسائل کلامی
۱۶۸	- بیان مسائل عرفانی

۱۶۸	- توجه و تنبيه
۱۶۹	۲-۲-۵- اطناب
۱۷۰	۱-۲-۲-۵- اعتراض
۱۷۰	۲-۲-۲-۵- ذکر خاص پس از عام
۱۷۱	۳-۲-۲-۵- تکرار
۱۷۱	۴-۲-۲-۵- ترادف
۱۷۱	۵-۲-۲-۵- ايضاح پس از ابهام
۱۷۲	۶-۲-۲-۵- معنی کردن و تفسیر و تبیین
۱۷۲	۷-۲-۲-۵- هنر و اغراض حافظ در استفاده از اطناب
۱۷۳	- برای تشبيه
۱۷۳	- برای توصيف و توضیح امری
۱۷۴	- برای ادای سوگند
۱۷۴	- برای بیان شرط
۱۷۵	- بیان حالت
۱۷۵	- برای تحقیر و توهين
۱۷۶	۳-۲-۵- مساوات
۱۷۷	پیوست‌ها
۱۸۵	واژه‌نامه
۱۹۹	فهرست منابع و مآخذ

## مخفف‌ها (کوتاه نوشت‌ها)

۱- شماره‌ای که در پایان ابیات آمده شماره‌ی بیت و غزل بر اساس نسخه‌ی قزوینی و غنی

است. مثلاً ۱۴۲/۳ یعنی بیت ۳ از غزل ۱۴۲.

۲- ارجاع در متن به صورت نام نویسنده، سال چاپ و شماره‌ی صفحه‌ی اثر می‌باشد.

۳- شماره‌گذاری جدول‌ها و نمودارها در قسمت پیوست بر اساس شماره‌ی فصلی است که

شکل مربوط به آن می‌باشد.



## پیشگفتار

قدر مجموعه‌ی گل مرغ سحر داند و بس  
نه هر آن کاو ورقی خواند معانی دانست

از آنجاکه علم معانی از علوم اصلی و فنی رشته‌ی زبان و ادب فارسی است، مورد توجه بسیاری از محققان و صاحب‌نظران بوده‌است و از گذشته‌های دور (قرن ششم هجری) تا کنون کتب بسیاری در این زمینه نوشته‌شده‌است، اما کتب تدوین شده در این زمینه بیشتر صورت ترجمه از زبان عربی داشته و بر اساس توانش‌ها و ساخت نحوی زبان فارسی تدوین نشده‌اند، و نیز نکات بلاغی زبان فارسی در این کتب مورد توجه و بررسی قرار نگرفته‌است.

در این پایان‌نامه که سعی شده‌است، علم معانی بر مبنای توانش‌های زبان فارسی تدوین گردد راه تازه‌ای فرا روی محققان و خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته‌است، هر چند این پایان‌نامه نمی‌تواند تمام امکانات و توانش‌های زبان فارسی را منعکس کند اما راه برای پژوهش همچنان گشوده‌است و لازم است که در این زمینه مطالعات بیشتری صورت گیرد.

این پایان‌نامه در پنج فصل تدوین شده که در هر یک از این فصول مباحثی از علم معانی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

**فصل اول** که با عنوان مقدمه آغاز می‌شود طبق رسم دیگر کتب بلاغی به ذکر فایده‌ی علم معانی و تاریخچه‌ی علوم بلاغی در اسلام و ایران اختصاص یافته‌است؛ در این فصل سعی شده مطالب در نهایت اختصار بیان شود که موجب خستگی خواننده نشود.

**فصل دوم** به تعاریف و کلیات اختصاص یافته‌است. در این فصل ابتدا تعریفی تطبیقی از علم معانی ارائه شده‌است. سپس فصاحت و بلاغت مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته و سعی شده شواهد شعری نیز از دیوان حافظ و به ندرت دیگر شعرا ذکر شود به نحوی که با دیگر کتب بلاغی مشترک نباشد؛ در نهایت مباحث این فصل با نظریات زبان‌شناسی تطبیق داده شده‌است.

در فصل سوم از خبر در ادب و غزلیات حافظ و مباحث مربوط به این جملات سخن گفته شده است؛ مطالبی همچون: احوال مسندالیه و مسند و اغراض ثانوی جملات خبری. لازم به ذکر است، اغراضی که برای اینگونه جملات در این پایان‌نامه آمده بسیار بیشتر از آن چیزی است که در کتب پیش از این آمده است. هر یک از این اغراض با شواهد کافی از غزلیات حافظ به صورت مستدل و مستند بیان شده‌اند. در بحث از تأخیر مسندالیه نیز همانگونه که در فرضیات پایان‌نامه آمده بود مشخص گردید که تأخیر مسندالیه در زبان فارسی بلاغی نیست و بیشتر برای رعایت وزن و قافیه در شعر است که در متن پایان‌نامه با شواهد متعدد به این مطلب پرداخته شده است.

انشا و اقسام آن در فصل چهارم با دیدی انتقادی مورد بررسی قرار گرفته و سعی شده دلایلی در نقص تعریف قدما از انشا به صورت مستند و مستدل از غزلیات حافظ ذکر شود و با توجه به نظریات زبان‌شناسان انشا و اقسام آن با نگاهی تازه بیان شده است. در ادامه‌ی فصل اغراض ثانوی جملات پرسشی و امری که در مقوله‌ی جملات انشایی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و عمومیت دارند، با ذکر شواهد متعدد برای هر مورد، به صورت جداگانه بررسی شده‌اند.

آخرین فصل از این پایان‌نامه به مباحثی چون: حصر و قصر، ایجاز و اطناب اختصاص یافته است. در این فصل نیز بخش‌ها و قسمت‌های مختلف با ذکر شاهد از حافظ مرتب گردیده‌اند.

امید که مقبول افتد

# فصل اول

## مقدمه

## ۱-۱- فایده‌ی علم معانی

شاید بتوان گفت که در میان علوم و دانش‌های ادبی هیچ یک به اندازه علم معانی<sup>۱</sup> مهم و کارآمد نیست، چرا که لازمه‌ی آفرینش ادبی و نیز درک آثار ادبی آشنایی با وجه مشخصه‌ای است که باعث تمایز یک اثر ادبی از غیر ادبی می‌گردد و آن وجه مشخصه چیزی نیست مگر بلاغت که در حوزه‌ی علم معانی است، از این روست که علم معانی را می‌توان مهمترین شاخه‌ی دانش‌های ادبی دانست، بی‌گمان پی بردن به راز و رمزهای آثار ادبی و تمتع از آنها در گرو آشنایی با این علم است که خوانندگان آثار ادبی باید به این نکته توجه داشته باشند.

مدار نقطه‌ی بینش ز خال توست مرا      که قدر گوهر یکدانه گوهری داند

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه      که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

بیشتر کتب بلاغی نخستین فایده‌ی علم معانی را شناخت اعجاز قرآن کریم دانسته‌اند تا جایی که زمخشری در مقدمه‌ی تفسیر کشاف آورده است:

«عالم علم کلام اگر در صناعت کلام بر همه‌ی اهل دنیا چیره شود و حافظ قصص و مسایل تاریخی حتی اگر از ابن‌القریه حافظ‌تر باشد ... و دانشمند نحو دان اگر در علم نحو از سیبویه دان‌تر باشد...، هیچ‌یک نمی‌توانند به کنه آیات قرآنی پی ببرند، مگر اینکه در دو علمی که مختص به قرآن است تبحر پیدا کنند، و آن دو علم، معانی و بیان است.» (به نقل از: علوی مقدم، ۱۳۷۶،

ص ۱)

---

1 - rhetorical figures, figures of speech